

بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با مشارکت زنان روستایی در امور خانوادگی و اجتماعی (نمونه موردی: زنان متأهل روستاهای شهرستان کرمانشاه)

نوذر قنبری^{۱*}، علی سلیمیان^۲، فوزیه کیمیایی^۳، مهرداد ورناصری^۴

۱- استادیار گروه جغرافیا، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان

۳- کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام نور تهران

۴- کارشناس ارشد جمعیت‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان

چکیده

توجه به نقش گسترده زنان روستایی در فرایند توسعه از اهمیت زیادی برخوردار است. زنان روستایی نه تنها نیروی عمده‌ای در ایجاد تحول و منبعی بالقوه برای پیشبرد اقتصاد روستایی و افزایش هر چه بیشتر رشد تولیدات مواد غذایی به شمار می‌روند، بلکه دارای نقش اساسی در ابعاد فرهنگی و معنوی این تحولات و پیشرفت‌ها هستند. پژوهش حاضر که با هدف بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با مشارکت زنان متأهل روستایی در امور خانوادگی و اجتماعی در روستاهای شهرستان کرمانشاه است، یک پژوهش میدانی با تکنیک پیمایش بوده و برای جمع‌آوری داده‌ها از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش حاضر تمامی زنان متأهل روستاهای شهرستان کرمانشاه است که تعداد ۳۸۰ نفر از آنها به عنوان حجم نمونه انتخاب شده‌اند. پژوهش حاضر به دنبال بررسی ارتباط بین نوع روابط خانواده،

باور گرایی فرهنگی مرتبط با جنسیت، اعتماد اجتماعی، استفاده از رسانه‌های داخلی، پایگاه اقتصادی خانوار و سن به عنوان متغیرهای مستقل و مشارکت زنان روستایی به عنوان متغیر وابسته است. یافته‌های پژوهش حاکی از ارتباط بین نوع روابط خانواده (۰/۱۷)، باور گرایی فرهنگی مرتبط با جنسیت (۰/۲۸-)، اعتماد اجتماعی (۰/۳۳)، استفاده از رسانه‌های داخلی (۰/۲۲)، و سن (۰/۲۶) با مشارکت زنان روستایی در امور خانوادگی و اجتماعی است. لازم به ذکر است که همبستگی چندگانه متغیرهای پیش بین با مشارکت زنان روستایی متوسط است. همچنین متغیرهای پژوهش به طور کلی توانسته‌اند به میزان ۰/۲۹۱ تغییرات متغیر مشارکت زنان روستایی را تبیین معنادار کنند ($R^2=0/291$). اما بین پایگاه اقتصادی خانوار و مشارکت زنان روستایی ارتباط معناداری مشاهده نشد.

واژه‌های کلیدی: مشارکت، مشارکت در امور خانوادگی، مشارکت در امور اجتماعی، زنان روستایی، عوامل اجتماعی، روستاهای شهرستان کرمانشاه.

مقدمه و بیان مسأله

مسأله مشارکت زنان که مشتمل بر انواع کنش‌های فردی و جمعی و در جهت تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیرگذاری بر فرایندهای تصمیم‌گیری در باره امور عمومی است در سال‌های اخیر بسیار مورد توجه قرار گرفته است. به گونه‌ای که تقریباً تمامی راهبردهای مربوط به توسعه از مشارکت زنان به ویژه زنان روستایی به عنوان عنصر کلیدی یاد می‌کنند، به خصوص آنکه یکی از ارکان توسعه انسانی پایدار است.

امروزه مطالعات صاحب نظران اجتماعی نشان از آن دارد که دستیابی به توسعه پایدار بدون مشارکت فعال زنان در تمامی عرصه‌ها اعم از عرصه‌های خانوادگی، اقتصادی و اجتماعی امکان‌پذیر نیست. اما مطالعات اخیر نشان می‌دهد که عوامل اجتماعی، فرهنگی و انتظارات متفاوت جامعه از مرد و زن موانع مهمی را بر سر راه مشارکت زنان (به خصوص زنان سرپرست خانوار که علاوه بر نقش مادری باید نقش پدری را نیز برای فرزندان خود ایفا نمایند به وجود آورده است. متأسفانه بسیاری از برنامه‌های توسعه، نقش اساسی و تعیین‌کننده زنان به

فراموشی سپرده شده است و این خود باعث عدم موفقیت بسیاری از برنامه‌ها و پروژه‌های توسعه علی‌الخصوص در مناطق روستایی جهان شده است (کتابی و همکاران، ۱۳۸۲: ۶).

با طرح مسأله توسعه پایدار، انسان مشارکت جو مرکز فرایند توسعه محسوب شده و توسعه درون‌زا در دستور کار قرار گرفته است. در چنین توسعه‌ای، مشارکت متغیری اساسی است و درون‌زایی و عدالت خواهانه بودن، زنان را به عنوان نیمی از افراد جامعه به مشارکت فرا می‌خواند. بحث و سخن‌های اخیر در باب توسعه نه تنها نشان داده است که در فرایند توسعه اکثر کشورهای جهان سوم، موقعیت اجتماعی گروه‌های محروم و از جمله زنان بهبود نیافته است، بلکه تضادهای موجود بین نقش سنتی زنان و تقاضای ایشان در شرایط گذار به تردید در مفهوم توسعه نیز منجر گردیده است. بنابراین اولین سؤالی که در برخورد با چنین وضعیتی به ذهن متبادر می‌شود این مسأله است که موانع و محدودیت‌های مشارکت زنان در توسعه کدامند؟ و باید با شناخت عوامل مؤثر بر آن در راستای حل این موانع تلاش نمود.

بسیاری از مطالعات و پژوهش‌های انجام شده، نشانگر این واقعیت تلخ است که به رغم اهمیت و نقش بارز زنان در ابعاد و جوانب مختلف روستایی و نقش آنان در تحولات توسعه روستایی و برنامه‌های اجرا شده، به منظور تسریع روند توسعه و ایجاد زیرساخت‌های توسعه، به دلیل چشم پوشی از نقش برجسته زنان، سرمایه‌گذاری بسیار محدودتری در زمینه‌های آموزشی - ترویجی و همه فعالیت‌های پشتیبانی به عمل آمده است. نادیده انگاشتن نقش زنان باعث کند شدن فرایند توسعه شده است. اما با اتخاذ تدابیر هوشمندانه و با هدف قرار دادن راهبردهای اصلاح‌گرایانه در خصوص توجه بیشتر به نقش زنان و افزایش مشارکت آنان در فرایند توسعه، می‌توان به تعدیل شرایط موجود پرداخت. یکی از زمینه‌های مشارکت زنان، مشارکت در روستاهاست (عمادی، ۱۳۸۰: ۳۳؛ صفری‌شالی، ۱۳۸۷: ۱۳۸).

زنان روستایی نه تنها نیروی عمده‌ای در ایجاد تحول و منبعی بالقوه برای پیشبرد اقتصاد روستایی و افزایش هر چه بیشتر رشد تولیدات مواد غذایی به شمار می‌روند، بلکه دارای نقش اساسی در ابعاد فرهنگی و معنوی این تحولات و پیشرفت‌ها هستند. شواهد موجود نشان می‌دهد که زنان روستایی ایران در طی سده‌های گذشته در عرصه‌های اقتصادی - اجتماعی و از آن جمله در فعالیت‌های تعاونی و یاریگری نسبت به یکدیگر و نسبت به کل جامعه

فعالیت‌های چشمگیری داشته‌اند که از دید روشنفکران و پژوهشگران غالباً دور مانده است. بنابراین پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال اصلی است که عوامل اجتماعی مرتبط با مشارکت زنان روستایی در امور خانوادگی و اجتماعی در روستاهای شهرستان کرمانشاه کدامند؟

پیشینه پژوهش

- وثوقی و یوسفی آقابین (۱۳۸۴) پژوهشی را با عنوان «پژوهشی جامعه‌شناختی در زمینه مشارکت اجتماعی زنان روستایی روستای آغکند شهرستان میانه» به انجام رساندند. یافته‌ها نشان می‌دهند میانگین مشارکت اجتماعی زنان روستایی، سطح پایینی داشته و فقط ۴ درصد پاسخگویان، مشارکت اجتماعی بالایی داشته‌اند. براساس تحلیل‌های آماری انجام شده، وجود رابطه بین مشارکت اجتماعی زنان روستایی با متغیرهای نگرش زنان نسبت به خود (عوامل درونی)، سن، تحصیلات (عوامل زمینه‌ای)، میزان دسترسی آنها به مراکز شهری و همچنین وسایل ارتباط جمعی (عوامل ساختاری) تایید شده است.

- عبری و حسونند (۱۳۸۹) پژوهشی را با عنوان «رابطه فرهنگ پدرسالاری و مشارکت سازمان یافته زنان در مدیریت روستایی: مطالعه موردی زنان روستایی دهستان فیروزآباد در استان لرستان» به انجام رساندند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مشارکت سازمان یافته زنان قبل از هر چیز تابعی از فرهنگ سنتی روستایی یا فرهنگ پدرسالاری است. این متغیر از متغیرهای کلیدی است که با افزایش حضور آن، از مشارکت زنان کاسته می‌شود. با افزایش متغیرهای تحصیلات، پایگاه اجتماعی، اقتصادی، میزان دسترسی و استفاده از رسانه‌های جمعی، میل به پیشرفت، و دسترسی به اماکن شهری، مشارکت سازمان یافته زنان در مدیریت‌های روستایی نیز افزایش می‌یابد.

- ساعی ارسی و ولی پور (۱۳۸۸) پژوهشی را با عنوان «شناسایی عوامل موثر بر توانمندسازی زنان جهت مشارکت در توسعه اجتماعی (مطالعه موردی استان لرستان)» به انجام رساندند. نتایج حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد در بین عوامل فردی و ویژگی‌های شخصی زنان، میزان تحصیلات؛ در مورد عوامل اجتماعی - فرهنگی، غلبه بر تفکرهای سنتی رایج در

مورد زنان؛ در رابطه با عامل سیاسی اداری، نقش سیاست های حمایتی دولت از زنان؛ درباره عامل اقتصادی، اشتغال زنان؛ در مورد عوامل فن آوری، خود فن آوری و درباره عامل رقابتی، ایجاد تفکر کار آفرینی نقش مهم و اساسی در توانمندسازی زنان استان لرستان داشته است.

- کتابی و همکاران (۱۳۸۲) پژوهشی را با عنوان «توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه» به انجام رساندند. یافته های پژوهش حاکی از آن است که عواملی همچون افزایش سطح تحصیلات، دسترسی به منابع مالی، بهبود وضع سلامت، برخورداری از حق مالکیت قانونی، رفع تبعیض از بازار کار و حذف باورهای سنتی عوامل موثری در توانمندسازی زنان هستند.

- نتایج پژوهشی که به وسیله السن^۱ (۱۹۹۸) با عنوان کار و استخدام زنان در جامعه در سال ۱۹۸۸ در رابطه با استخدام کاری زنان در هند انجام شده است، نتایج نشان می دهند که در زمینه استخدام کارهای غیر کشاورزی مردان رشد بیشتری از زنان داشته و بیش از زنان در کارهای غیر کشاورزی استخدام می شوند. نرخ کار در بخش غیر کشاورزی از سال ۱۹۶۱ تا ۱۹۸۸ افزایش داشته در حالیکه نیروی کار مردان در بخش کشاورزی رو به کاهش گذاشته است.

- در پژوهشی که پرستینگر^۲ (۱۹۹۱) تحت عنوان زنان در کار در ایتالیا انجام داده نشان دهنده افزایش حضور زنان ایتالیایی در بازار کار از اوایل دهه ۱۹۷۰ است که تناقض پدیده تبعیض جنسی و ارزش اقتصادی کار زنان را نمایان می کند. این پژوهش که با روش پیمایشی بر روی ۵۰۰۰ زن انجام گرفته است، نشان می دهد هر چه تبعیض جنسی در بازار کار بالاتر است ارزش اقتصادی و حقوق کاری زنان کمتر است. همچنین، زنانی که آشفته گی کمتری در زندگی شان دارند بیشتر کار می کنند و با وجود جدایی جنسی در شغل و اختلافات شغلی زنان اصرار به حضور بیشتری در بازار کار دارند (به نقل از السن، ۱۹۹۸).

1 Olsen

2 Pristingner

چارچوب نظری پژوهش

دورکیم سرچشمه همبستگی زناشویی را در تقسیم جنسی کار می‌داند. وی در کتاب تقسیم کار اجتماعی تصریح می‌نماید که هر قدر در گذشته تاریخی به عقب تر برگردیم خواهیم دید که از اهمیت تقسیم کار جنسی کاسته می‌شود. زن در ادوار تاریخی گذشته دور به هیچ وجه آن وجود ضعیفی نیست که با گذشت روزگار و پیشرفت اخلاقیات پیدا شده است.

بررسی استخوان‌های بازمانده از دوره‌های پیش از تاریخ نشان می‌دهد که تفاوت میان نیروی مرد و نیروی زن بسیار کمتر از آن بوده که امروزه مشاهده می‌کنیم. اینگونه همانندی‌های تشریحی در اندام‌ها با همانندی‌های از لحاظ وظایف اندام‌ها نیز همراهند. در این جوامع وظایف زنان در واقع تمایز روشنی با وظایف مردان ندارد و هر دو جنس درست مانند هم زندگی می‌کنند (شادی‌طلب، ۱۳۸۲: ۹۸).

الیزابت بات، در کتابش خانواده و شبکه اجتماعی به درجه تفکیک نقش‌های زن و شوهر و ارتباطش با میزان تراکم شبکه‌ای می‌پردازد. هرچه ارتباط آنها با شبکه خویشاوندان، دوستان و همسایگان نزدیکتر و هرچه این شبکه‌ها متراکم تر باشند، رابطه زن و شوهر تفکیک شده تر بوده و بیشتر تابع سلسله مراتب است. عکس قضیه نیز مصداق دارد: هرچه شبکه‌ها کم تراکم تر باشند، نقش‌های مردانه زنانه کمتر نشانگر جدایی و تفکیک هستند (سگالن، ۱۳۸۸: ۲۵۴).

براساس نظریه روزن اشتیل، نگرش افراد تحت تأثیر متغیر تجربه قبلی آنهاست، یعنی اگر افراد در طی زندگی خود، در روابط خانوادگی تجربه مشارکت و همکاری در انجام امور خانه را داشته باشند، این امر محتمل تر است که تمایل بیشتری به همکاری داشته و در انجام فعالیت‌های گروهی، مشارکت فعالانه‌تری داشته باشند. از طرف دیگر، اگر ساختار خانواده فرد به شکلی بوده که وی اجازه نداشته در انجام امور خانه مورد مشورت قرار گیرد و تمام امور به وسیله پدر یا مادر کنترل می‌شده، در نتیجه فرد مشارکت کمتری در فعالیت‌های جمعی خواهد داشت. برای آگاهی از چگونگی تأثیر نوع روابط خانواده بر رفتار فرد، باید با ماهیت قدرت آشنایی بیشتری حاصل کرد (ساروخانی و دودمان، ۱۳۸۹: ۱۱۳). بنابراین از نظریه الیزابت بات و روزن اشتیل این فرضیه استخراج می‌شود که:

- بین نوع روابط در خانواده و مشارکت زنان روستایی رابطه وجود دارد.

از دیدگاه کالینز، این گونه فعالیت‌های عام نابرابری جنسیتی به لحاظ تاریخی مورد پذیرش مردان هستند چرا که مردان امکان بکارگیری سلطه و قدرت را در برخورد با زنان دارند و از این برتری کنترل منابع اقتصادی و تا حد زیادی، سیاسی و ایدئولوژیک به نفع خودشان بهره برداری می‌کنند.

کالینز (۱۹۷۵) معتقد است، هنگامی که به دلیل سطح تکنولوژی پایین یک جامعه، مازاد اقتصادی نیز پایین است به همان نسبت ثروت مادی نیز در جامعه کم است که در چنین مواقعی به طور نامساوی بین افراد توزیع شده است. خواه این توزیع براساس جنسیت صورت بگیرد، یا براساس معیار دیگری. به علاوه در اقتصادهای ساده از قبیل جوامع با اقتصاد شکار و جمع آوری خوراکی، زنان هم مثل مردان یا حتی بیشتر از مردان، در اقتصاد نقش دارند و از این رو در چنین جوامعی مردان نمی‌توانند به آسانی ادعا کنند که کنترل این منابع را در اختیار دارند. هنگامی که تولید به وسیله باغبانی و کشاورزی افزایش یافت و مازاد اقتصادی ایجاد شد در چنین بستر و زمینه ای بود که مردان شروع به استفاده از امتیازات زور و سلطه خود برای دستیابی به کنترل بر منابع مادی جامعه کردند. بخش بسیاری از این کنترل از طریق تسلط مردان بر نقش‌های کلیدی و محوری اقتصادی بدست آمده؛ اگر چه در چنین جوامعی زنان کار اقتصادی انجام می‌دهند، این مردان هستند که موقعیت‌ها و پایگاه‌های تعیین نوع و شیوه توزیع محصولات را در اختیار دارند (کاویانی، ۱۳۹۳: ۷۶). بنابراین از نظریه کالینز این فرضیه استخراج می‌شود که:

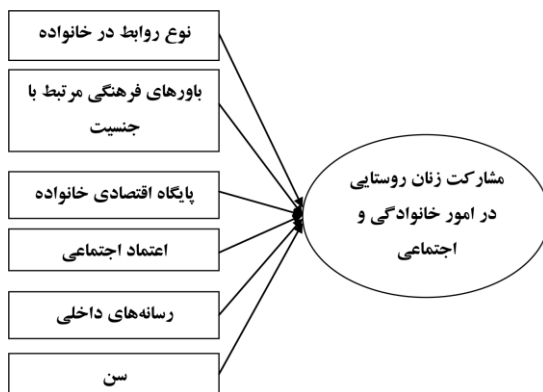
- بین باورگرایی فرهنگی مرتبط با جنسیت و مشارکت زنان روستایی رابطه وجود دارد.
- اینگلهارت رابطه بین اعتماد و مشارکت را مورد توجه قرار داده است. به نظر او اعتماد به یکدیگر از عوامل مؤثر در مشارکت است، زیرا به واسطه اعتماد رفتارها قابل پیش بینی می‌گردد و در نتیجه حوزه ی کنش و تصمیم گیری تقویت می‌گردد. آنچنان که آلموند و وربا نیز در طرح مبحث فرهنگ مدنی اعتماد را از لوازم فرهنگ دموکراتیک دانسته‌اند (کاویانی، ۱۳۹۳: ۷۶). بنابراین از نظریه اینگلهارت و آلموند و وربا این فرضیه استخراج می‌شود که:
- بین اعتماد اجتماعی و مشارکت زنان روستایی ارتباط وجود دارد.

سیلز، از منظر روانشناختی-اجتماعی در پی بیان عوامل تأثیرگذار بر مشارکت است. به نظر وی، افراد در بطن نیروهای اجتماعی (مانند منزلت، تعلیم و تربیت خانوادگی، نوع برخورد و رفتارهای والدین در خانواده، تحصیلات، اقتصاد، رسانه‌ها و...)، محاط شده‌اند. سیلز معتقد است که سه دسته متغیر نیروهای اجتماعی، تفاوت‌های شخصیتی و محیط‌های اجتماعی به شدت با هم مرتبط و به یکدیگر آمیخته شده‌اند و هر تغییری در هریک از آنها، مشارکت را کاهش یا افزایش می‌دهد، لذا اگر تحلیلی صرفاً مبتنی بر یکی از آنها باشد، گمراه‌کننده و ناقص است (محسنی تهریزی، ۱۳۶۹). بنابراین از نظریه سیلز این فرضیات استخراج می‌شود که:

- بین پایگاه اقتصادی و مشارکت زنان روستایی ارتباط وجود دارد.
- بین استفاده از رسانه‌های جمعی داخلی و مشارکت زنان روستایی ارتباط وجود دارد.

فرضیه‌های پژوهش

- ۱- بین نوع روابط در خانواده و مشارکت زنان روستایی رابطه وجود دارد.
- ۲- بین باورگرایی فرهنگی مرتبط با جنسیت و مشارکت زنان روستایی رابطه وجود دارد.
- ۳- بین اعتماد اجتماعی و مشارکت زنان روستایی ارتباط وجود دارد.
- ۴- بین پایگاه اقتصادی خانواده و مشارکت زنان روستایی ارتباط وجود دارد.
- ۵- بین استفاده از رسانه‌های جمعی داخلی و مشارکت زنان روستایی ارتباط وجود دارد.
- ۶- بین سن و مشارکت زنان روستایی ارتباط وجود دارد.



مدل نظری پژوهش

روش پژوهش

پژوهش حاضر بر اساس نوع داده‌های جمع آوری و تحلیل شده، پژوهشی کمی است و از لحاظ نوع برخورد با مسأله مورد بررسی و ورود به آن مطالعه‌ای میدانی است. تکنیک مورد استفاده در این پژوهش پیمایش است. در مطالعه میدانی، برای جمع آوری اطلاعات مورد نیاز از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. پیش از آغاز پیمایش، پرسشنامه ابتدایی مورد آزمون اولیه قرار گرفت و با استفاده از نتایج به دست آمده، نقایص موجود برطرف و پرسشنامه نهایی تنظیم شد. جامعه آماری این مطالعه همه زنان متأهل روستاهای شهرستان کرمانشاه است. از آنجا که به طور طبیعی امکان مطالعه دیدگاه‌های تمامی ساکنان وجود نداشت از شیوه «نمونه‌گیری» برای تبیین نظریات افراد مورد مطالعه استفاده شده است و بر اساس آن تعدادی از افراد (۳۸۰ نفر) که معرف جامعه آماری تشخیص داده شدند به عنوان نمونه انتخاب و مطالعه شده است. روش نمونه‌گیری در این پژوهش شیوه نمونه‌گیری دو مرحله‌ای با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای و سپس نمونه‌گیری تصادفی ساده است. پس از گردآوری داده‌ها تجزیه و تحلیل آن‌ها با استفاده از نرم افزار آماری اس پی اس انجام شد و در این رابطه برای آزمون فرضیه‌ها، تست‌های آماری متناسب با هر فرضیه بکار گرفته شد. در این رابطه جهت اطمینان از اعتبار لازم به مشاوره و بهره‌گیری از نظرات اساتید و کارشناسان مربوطه و همچنین از آزمون آلفای کرونباخ جهت پایایی پرسشنامه اقدام شده است و بر اساس ضریب آلفا ضریب پایایی تمامی متغیرها بالاتر از ۰/۷ است.

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

نوع روابط خانواده

الف) خانواده مشارکتی (دموکراتیک)

خانواده‌هایی که در آن آزادی معقول همراه با احترام متقابل وجود دارد و ضوابط و قوانین حاکم بر آن موجب بقاء خانواده می‌گردد و تمام اعضای خانواده در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت دارند (قاسمی و کاظمی، ۱۳۸۷: ۲۰۰).

ب) خانواده اقتداری (استبدادی)

خانواده استبدادی خانواده ای است که روابط نابرابر قدرت در آن حاکم است و مصالح خانواده بر اساس دیدگاه فرد حاکم تعیین می گردد (قاسمی و کاظمی، ۱۳۸۷: ۲۰۰). در پژوهش حاضر نوع روابط خانواده دارای دو شاخص دموکراتیک و استبدادی است.

باورهای فرهنگی مرتبط با جنسیت

باورهای فرهنگی مرتبط با جنسیت به آن دسته از عقاید اجتماعی و انتظارات و توقعات جامعه از زنان و مردان اشاره دارد که در پی جدایی زنان و مردان در موقعیت ها و نقش های مختلف است تا بدین طریق به نابرابری های بین زنان و مردان در موقعیت های مختلف مشروعیت بخشد (صفری شالی، ۱۳۸۷: ۱۵۰).

باورگرایی فرهنگی مرتبط با جنسیت در پژوهش حاضر با شاخ های اعتقادی به برتری مردها، عدم توانایی زنان در برابر مردها و اولویت دادن به مردها در امور مختلف مورد سنجش قرار گرفته شده است.

پایگاه اقتصادی خانواده

پایگاه اقتصادی، پایگاهی است که فرد در میان یک گروه دارد. یا به مرتبه اقتصادی یک گروه در مقایسه با گروه های دیگر گفته می شود. به بیان دیگر، موقعیتی که یک فرد یا خانواده با ارجاع به استانداردهای میانگین رایج درباره درآمد مؤثر، دارایی های مادی و مشارکت در فعالیت های گروهی - اجتماعی به دست می آورد (کوئن، ۱۳۸۳). پایگاه اقتصادی دارای شاخص های درآمد و مالکیت است.

اعتماد اجتماعی

اعتماد اجتماعی مفهومی است که در فرایند روابط اجتماعی بین افراد و سازمان های اجتماع با همدیگر تبلور می یابد. آنتونی گیدنز اعتماد را به عنوان اطمینان یا اتکاء بر ماهیت یا خاصیت شخصی یا صحت گفت های تعریف می کند (گیدنز^۱، ۱۳۸۶). از نظر پاتنام، اعتماد

سبب ایجاد انجمن‌های داوطلبانه و دو طرفه و اینها نیز به نوبه خود باعث تقویت و ایجاد اعتماد می‌شوند (پاتنام^۱، ۲۰۰۰).

جیمز کلن سرمایه اجتماعی را تا اندازه زیادی به میزان درخور اعتماد بودن محیط اجتماعی و تعهدات میان کنشگران نسبت داده و بر این باور است که بدون میزان زیادی از قابلیت اعتماد در میان اعضای گروهی که با هم در ارتباطند، آن گروه اعتبار و دوام زیادی نخواهد داشت (کلن^۲، ۱۳۸۴).

اعتماد اجتماعی در پژوهش حاضر با شاخص‌های اعتماد رسمی، اعتماد غیررسمی و اعتماد تعمیم یافته بررسی شده است.

رسانه‌های داخلی

رسانه وسیله‌ای است که فرستنده به کمک آن معنا و مفهوم مورد نظر خود (پیام) را به گیرنده منتقل می‌کند. به عبارت دیگر، رسانه، وسیله حامل پیام از فرستنده به گیرنده است. کتاب، روزنامه، مجله، عکس، فیلم، نوار صوتی و تصویری، رادیو، تلویزیون و ماهواره و ... نمونه‌هایی از رسانه هستند (تیموری، ۱۳۷۷).

اینترنت، تلویزیون و رادیو شاخص‌های رسانه‌های داخلی هستند.

مشارکت زنان روستایی در امور خانوادگی و اجتماعی

از منظر جامعه‌شناسی «باید بین مشارکت به عنوان عمل و تعهد (عمل مشارکت) و به عنوان حالت یا وضع (امر شرکت کردن) تمیز قائل شد. مشارکت در معنای اول داشتن شرکتی فعالانه در گروه را می‌رساند و به فعالیت اجتماعی انجام شده نظر دارد و در معنای دوم از تعلق گروهی خاص و داشتن سهمی در هستی آن خبر می‌دهد» (بیرو، ۱۳۷۰).

مشارکت زنان در پژوهش حاضر با شاخص‌های مشارکت سنتی، سازمان یافته و خانوادگی مورد سنجش قرار گرفته شده است. مشارکت در زراعت و باغداری، دامداری، کارهای صنایع

1 Putnam

2 Coleman

دستی، انجمن‌های روستایی، تعاونی‌ها، بسیج، تصمیم‌گیری‌های مربوط به مخارج خانوار، تصمیم‌گیری‌های مربوط به تربیت خانوار و ... از جمله گویه‌های مورد بررسی در مورد مشارکت اجتماعی زنان روستایی هستند.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

آمار توصیفی

بر اساس یافته‌های مربوط به متغیر سن، بیشترین تعداد پاسخگویان در گروه سنی ۲۵-۲۹ سال (۲۳/۱۷) و کمترین تعداد پاسخگویان در گروه سنی ۶۰ سال به بالا (۲/۶۰) هستند.

بر اساس یافته‌های پژوهش بیشترین تعداد پاسخگویان (۳۴.۲۳) دارای پایگاه اقتصادی سطح متوسطی هستند. پایین‌ترین تعداد پاسخگویان (۸.۶۹) نیز دارای پایگاه اقتصادی خیلی پایینی هستند. میانگین کلی پایگاه اقتصادی در حد کم نزدیک به متوسط (۲.۸۱) است.

یافته‌ها نشان می‌دهد که بیشترین تعداد پاسخگویان (۴۴.۷۵) دارای میزان متوسطی نوع روابط دموکراتیک هستند. پایین‌ترین تعداد پاسخگویان (۶.۸۱) نیز دارای کمی نوع روابط دموکراتیک هستند. همچنین میانگین کل میزان دموکراتیک بودن روابط در خانواده نشان می‌دهد که پاسخگویان دارای حد متوسطی از دموکراتیک بودن نوع روابط در خانواده (۳.۰۸) هستند.

یافته‌ها نشان می‌دهند نشان می‌دهد که بیشترین تعداد پاسخگویان (۲۸.۲۶) دارای اعتماد اجتماعی در سطح بالایی هستند. پایین‌ترین تعداد پاسخگویان (۵.۴۳) نیز دارای اعتماد اجتماعی خیلی کمی هستند. همچنین میانگین کل میزان اعتماد اجتماعی نشان می‌دهد که پاسخگویان دارای اعتماد اجتماعی متوسطی (۳.۵۰) هستند.

یافته‌ها نشان می‌دهد که بیشترین تعداد پاسخگویان (۳۹.۷۵) به میزان متوسطی دارای باورگرایی فرهنگی مرتبط با جنسیت هستند. پایین‌ترین تعداد پاسخگویان (۱۱.۳۵) نیز دارای میزان کمی از باورگرایی فرهنگی مرتبط با جنسیت هستند. همچنین میانگین کل میزان باورگرایی فرهنگی مرتبط با جنسیت نشان می‌دهد که پاسخگویان دارای حد پایین و نزدیک به متوسطی از باورگرایی فرهنگی مرتبط با جنسیت (۲.۹۲) هستند.

یافته‌ها نشان می‌دهد که بیشترین تعداد پاسخگویان یعنی (۳۹.۰۶ درصد) به میزان بسیار زیادی از رسانه‌های داخلی استفاده می‌کنند. پایین‌ترین تعداد پاسخگویان یعنی (۷.۸۲ درصد) نیز به میزان بسیار زیادی از رسانه‌های داخلی استفاده می‌کنند. میانگین کلی پاسخگویان نشان می‌دهد که به میزان بالاتر از متوسطی یعنی (۳.۶۷ درصد) از رسانه‌های داخلی استفاده می‌کنند. یافته‌های حاصل از آمار توصیفی مشارکت زنان روستایی نشان می‌دهد که بیشترین تعداد پاسخگویان (۳۶.۴۵) به میزان بسیار زیادی از مشارکت برخوردارند. پایین‌ترین تعداد پاسخگویان (۹.۱۲) نیز به میزان بسیار کمی از مشارکت برخوردارند. میانگین کلی پاسخگویان نشان می‌دهد که مشارکت در میان پاسخگویان به میزان بالاتر از متوسط (۳.۴۵) است.

آمار استنباطی

آزمون کلموگروف - اسمیرنوف

برای استفاده از آزمون‌های پارامتریک، پیش شرط‌هایی وجود دارد که عبارتند از: شرط نرمال بودن داده‌ها، و شرط تصادفی بودن داده‌ها. جهت بررسی نرمال بودن عامل‌ها از آزمون تک نمونه‌ای کلموگروف - اسمیرنوف به قرار زیر استفاده می‌شود.

H_0 : داده‌ها از توزیع نرمال برخوردارند

H_1 : داده‌ها از توزیع نرمال برخوردار نیستند

جدول (۱) آزمون کلموگروف اسمیرنوف برای تعیین نرمال بودن متغیرهای پژوهش

مؤلفه‌های پژوهش					خرده مؤلفه‌ها	
اعتماد اجتماعی	رسانه‌های داخلی	نوع روابط در خانواده	باورگرایی فرهنگی	پایگاه اقتصادی	میانگین	پارامترهای نرمال
۳۸۰	۳۸۰	۳۸۰	۳۸۰	۳۸۰	تعداد	
۳.۵۰	۳.۶۷	۳.۰۸	۲.۹۲	۲.۸۱	میانگین	
.۹۳	.۹۵	.۹۲	۸۸.	.۹۱	انحراف معیار	
۱.۹۹	۱.۹۲	۱.۶۹	۱.۹۳	۱.۷۵	کلموگروف - اسمیرنوف	
.۱۳	۰.۱۳	۰.۸۲	۷۴.	۰.۷۷	سطح معناداری (دو دامنه)	

با توجه به جدول شماره ۱ می‌توان نتیجه گرفت که چون مقادیر سطح معناداری همه متغیرهای پژوهش بیشتر از ۰.۰۵ هستند، پس می‌توان گفت که این متغیرها به لحاظ توزیع

داده‌ها نرمال هستند. پس می‌توان در تحلیل فرضیه‌های پژوهش، آزمون‌های پارامتریک را بکار گرفت.

آزمون فرضیه شماره ۱: بین نوع روابط در خانواده و مشارکت زنان روستایی رابطه وجود دارد. برای آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. یافته‌ها به شرح زیر است:

جدول (۲) ضریب همبستگی نوع روابط در خانواده و مشارکت زنان روستایی

مشارکت زنان روستایی	نوع روابط در خانواده	
۰/۱۷	شدت رابطه	
۰/۰۰۰	سطح معناداری	
۳۸۰	تعداد	

با توجه به مقدار معناداری (sig) محاسبه شده بین دو دامنه که برابر با ۰/۰۰۰ است و چون این عدد کوچکتر از ۰.۰۵ است، لذا بین دو متغیر نوع روابط خانواده و مشارکت زنان روستایی ارتباط معناداری وجود دارد. همچنین با توجه به شدت همبستگی بدست آمده ما که برابر با ۰/۱۷ است، لذا همبستگی مثبت، با شدت ضعیف و با جهت مستقیم بین دو متغیر نوع روابط در خانواده و مشارکت زنان روستایی وجود دارد؛ بدین صورت که هرچه نوع روابط خانواده دموکراتیک تر باشد مشارکت زنان روستایی بیشتر می‌شود. لذا بر این اساس فرضیه شماره ۱ پژوهش حاضر تایید می‌شود.

آزمون فرضیه شماره ۲: بین باورگرایی فرهنگی مرتبط با جنسیت و مشارکت زنان روستایی رابطه وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. یافته‌ها به شرح زیر است:

جدول (۳) ضریب همبستگی باورگرایی فرهنگی مرتبط با جنسیت و مشارکت زنان روستایی

مشارکت زنان روستایی		
-۰/۲۸	شدت رابطه	باورگرایی فرهنگی مرتبط با جنسیت
۰/۰۰۰	سطح معناداری	
۳۸۰	تعداد	

با توجه به مقدار معناداری (sig) محاسبه شده بین دو دامنه که برابر با ۰/۰۰۰ است و چون این عدد کوچکتر از ۰.۰۵ است، لذا بین دو متغیر باورگرایی فرهنگی مرتبط با جنسیت و مشارکت زنان روستایی ارتباط معناداری وجود دارد. همچنین با توجه به شدت همبستگی بدست آمده ما که برابر با -۰/۲۸ است، لذا همبستگی منفی، با شدت متوسط و با جهت معکوس بین دو متغیر باورگرایی فرهنگی مرتبط با جنسیت و مشارکت زنان روستایی وجود دارد؛ بدین صورت که هرچه میزان باورگرایی فرهنگی مرتبط با جنسیت به صورت اعتقاد به توانایی‌های بالاتر مردان بیشتر باشد مشارکت زنان روستایی کمتر می‌شود. لذا بر این اساس فرضیه شماره ۲ پژوهش حاضر تأیید می‌شود.

آزمون فرضیه شماره ۳: بین اعتماد اجتماعی و مشارکت زنان روستایی ارتباط وجود دارد. برای آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. یافته‌ها به شرح زیر است:

جدول (۴) ضریب همبستگی اعتماد اجتماعی و مشارکت زنان روستایی

مشارکت زنان روستایی		
۰/۳۳	شدت رابطه	اعتماد اجتماعی
۰/۰۰۰	سطح معناداری	
۳۸۰	تعداد	

با توجه به مقدار معناداری (sig) محاسبه شده بین دو دامنه که برابر با ۰/۰۰۰ است و چون این عدد کوچکتر از ۰.۰۵ است، لذا بین دو متغیر اعتماد اجتماعی و مشارکت زنان روستایی ارتباط معناداری وجود دارد. همچنین با توجه به شدت همبستگی بدست آمده ما که برابر با

۰/۳۳ است، لذا همبستگی مثبت، با شدت متوسط و با جهت مستقیم بین دو متغیر اعتماد اجتماعی و مشارکت زنان روستایی وجود دارد؛ بدین صورت که هرچه میزان اعتماد اجتماعی بیشتر باشد مشارکت زنان روستایی بیشتر می‌شود. لذا بر این اساس فرضیه شماره ۳ پژوهش حاضر تأیید می‌شود.

آزمون فرضیه شماره ۴: بین پایگاه اقتصادی خانواده و مشارکت زنان روستایی ارتباط وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. یافته‌ها به شرح زیر است:

جدول (۵) ضریب همبستگی پایگاه اقتصادی خانواده و مشارکت زنان روستایی

مشارکت زنان روستایی		
۰/۱۴	شدت رابطه	پایگاه اقتصادی خانواده
۰/۰۹۲	سطح معناداری	
۳۸۰	تعداد	

با توجه به مقدار معناداری (sig) محاسبه شده بین دو دامنه که برابر با ۰/۰۹۲ است و چون این عدد بزرگتر از ۰.۰۵ است، لذا بین دو متغیر پایگاه اقتصادی خانواده و مشارکت زنان روستایی ارتباط معناداری وجود ندارد. لذا بر این اساس فرضیه شماره ۴ پژوهش حاضر رد می‌شود.

آزمون فرضیه شماره ۵: بین استفاده از رسانه‌های جمعی داخلی و مشارکت زنان روستایی ارتباط وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. یافته‌ها به شرح زیر است:

جدول (۶) ضریب همبستگی استفاده از رسانه‌های جمعی داخلی و مشارکت زنان

روستایی

مشارکت زنان روستایی		
۰/۲۲	شدت رابطه	استفاده از رسانه‌های جمعی داخلی
۰/۰۰۱	سطح معناداری	
۳۸۰	تعداد	

با توجه به مقدار معناداری (sig) محاسبه شده بین دو دامنه که برابر با ۰/۰۰۱ است و چون این عدد کوچکتر از ۰.۰۵ است، لذا بین دو متغیر استفاده از رسانه‌های جمعی داخلی و مشارکت زنان روستایی ارتباط معناداری وجود دارد. همچنین با توجه به شدت همبستگی بدست آمده ما که برابر با ۰/۲۲ است، لذا همبستگی مثبت، با شدت متوسط و با جهت مستقیم بین دو متغیر استفاده از رسانه‌های جمعی داخلی و مشارکت زنان روستایی وجود دارد؛ بدین صورت که هرچه میزان استفاده از رسانه‌های جمعی داخلی در بین زنان روستایی بیشتر باشد مشارکت آنان بیشتر می‌شود. لذا بر این اساس فرضیه شماره ۵ پژوهش حاضر تایید می‌شود.

آزمون فرضیه شماره ۶: بین سن و مشارکت زنان روستایی ارتباط وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. یافته‌ها به شرح زیر

است:

جدول (۷) ضریب همبستگی سن و مشارکت زنان روستایی

مشارکت زنان روستایی		
۰/۲۶	شدت رابطه	سن
۰/۰۰۰	سطح معناداری	
۳۸۰	تعداد	

با توجه به مقدار معناداری (sig) محاسبه شده بین دو دامنه که برابر با ۰/۰۰۰ است و چون این عدد کوچکتر از ۰.۰۵ است، لذا بین دو متغیر سن و مشارکت زنان روستایی ارتباط معناداری وجود دارد. همچنین با توجه به شدت همبستگی بدست آمده ما که برابر با ۰/۲۶ است، لذا همبستگی مثبت، با شدت متوسط و با جهت مستقیم بین دو متغیر استفاده از سن و مشارکت زنان روستایی وجود دارد؛ بدین صورت که هرچه میزان سن زنان روستایی بالاتر

باشد مشارکت آنان بیشتر می شود. لذا بر این اساس فرضیه شماره ۶ پژوهش حاضر تایید می شود.

- سهم هریک از مؤلفه های پژوهش برای پیش بینی مشارکت زنان روستایی به چه میزان است؟

جدول (۸) آزمون رگرسیون چندگانه

DW	F	R ²	R	Tol	VIF	sig	t	β	B	متغیرهای پیش بین	
۱.۸۸	۲۱.۹۸	.۲۹۱	.۵۴	.۷۸۵	۱.۲۷	.۰۰۴	۲.۹۵	-	.۲۹۱	مقدار ثابت	مدل ۱
				.۸۴۶	۲.۲۵	.۰۰۰۰	۳.۴۷	.۳۴۲	.۳۰۴	اعتماد اجتماعی	
				.۷۷۳	۱.۸۷	.۰۰۰	۳.۹۸	-.۳۱۶	.۲۷۳	باورگرایی فرهنگی مرتبط با جنسیت	
				.۷۷۶	۱.۴۴	.۰۰۰	۲.۵۷	.۲۹۵	.۲۶۵	سن	
				.۲۷۸	۱.۷۷	.۰۰۰	۳.۸۸	.۲۷۶	.۲۳۷	رسانه های داخلی	
				۴۲۵.	۱.۸۵	.۰۰۰.	۲.۹۸	۲۵۴.	۱۹۴	نوع روابط در خانواده	

DW: Durbin-Watson, Tol: Tolerance, VIF: Variance inflation factor

متغیر وابسته: مشارکت زنان روستایی

برای بررسی بهترین تبیین کننده مشارکت زنان روستایی، از رگرسیون چندگانه استفاده شد. بنابراین یک مدل به شرح جدول فوق تشکیل شده است که در آن متغیر ملاک همان مشارکت زنان روستایی و متغیر پیش بین همان مولفه های اجتماعی می باشند. در مدل تشکیل شده، آماره دوربین واتسون در وضعیت مناسب قرار دارد. همچنین تحلیل واریانس رگرسیون که نشان دهنده استقلال خطاهاست، برای تمامی مدل معنادار و برابر ۲۱.۹۸ است. همچنین عدم همخطی چندگانه توسط دو شاخص عامل تورم واریانس و تولرانس مورد بررسی قرار گرفت و مشخص شد که مقادیر عامل تورم واریانس و تولرانس در پائین تر از دامنه مشخص شده (مقادیر کمتر از ۱۰ شاخص عامل تورم واریانس و مقادیر کمتر از ۱ برای شاخص تولرانس، برای تشکیل مدل مناسب بوده) هستند. بنابراین هم خطی میان متغیرهای مستقل وجود ندارد. با عنایت به مجموع بررسی های انجام شده، می توان تناسب داده ها را برای اجرای مدل

رگرسیون مناسب و نتایج به دست آمده را معتبر دانست. بنابراین، متغیرهای پیش‌بین به عنوان متغیرهای توجیه‌کننده مشارکت زنان روستایی معرفی می‌شوند.

مدل رگرسیون

یافته‌ها نشان می‌دهد که تمامی مولفه‌های مدل، دارای مقادیر تی بیشتر از ۲ و مقدار سطح معنی‌داری کمتر از ۰.۰۵ هستند. بنابراین این متغیرها پیش‌بینی‌کننده مشارکت زنان روستایی هستند. در این مدل قویترین پیش‌بینی‌کننده، متغیر اعتماد اجتماعی است که مقدار تاثیر آن برابر ۰.۳۰۴ است ($\beta=0.304$). لازم به ذکر است که همبستگی چندگانه متغیرهای پیش‌بین با مشارکت زنان روستایی متوسط ($R=0.54$) است. همچنین متغیرهای پژوهش به طور کلی توانسته‌اند به میزان ۰/۲۹۱ تغییرات متغیر مشارکت زنان روستایی را تبیین معنادار کنند ($R^2=0.291$).

نتیجه‌گیری

این پژوهش در راستای هدف اصلی پژوهش یعنی: «بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با مشارکت زنان روستایی در امور خانوادگی و اجتماعی (نمونه موردی: زنان متأهل روستاهای شهر کرمانشاه)» انجام شد؛ در جهت دستیابی به هدف اصلی پژوهش میزان ۳۸۰ نفر از زنان متأهل روستاهای شهرستان کرمانشاه به عنوان حجم نمونه مورد بررسی قرار گرفتند. روشی که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت، ترکیبی از روش‌های کتابخانه‌ای و میدانی با استفاده از تکنیکی پیمایش بود؛ بدین صورت که برای جمع‌آوری مطالب نظری و همچنین پیشینه و ادبیات پژوهش از روش کتابخانه‌ای و برای جمع‌آوری اطلاعات از اعضای جامعه آماری از روش میدانی با استفاده از تکنیک پیمایش استفاده شد.

ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش علاوه بر اسناد و مدارک معتبر، پرسشنامه بود. در این پژوهش از پرسشنامه مبتنی بر طیف رتبه‌بندی (دادن رتبه به هر گویه) استفاده شد. این پرسشنامه با اعمال نظرات اساتید محترم راهنما و مشاور، نهایی شده و روایی آن نیز مورد تأیید قرار گرفت و همچنین برای بررسی پایایی پرسشنامه از آلفای کرونباخ استفاده شد.

با توجه به اهمیت بحث از مشارکت زنان روستایی پژوهش حاضر به دنبال بررسی ارتباط بین متغیرهای نوع روابط خانواده، اعتماد اجتماعی، باورگرایی فرهنگی مرتبط با جنسیت، استفاده از رسانه‌های داخلی، پایگاه اقتصادی خانوار و سن به عنوان متغیرهای مستقل و مشارکت زنان روستایی به عنوان متغیر وابسته است.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین تمامی متغیرهای مستقل به جز پایگاه اقتصادی خانوار با متغیر وابسته ارتباط معناداری وجود دارد. بدین صورت که: بین دو متغیر نوع روابط خانواده و مشارکت زنان روستایی ارتباط معناداری وجود دارد. با توجه به شدت همبستگی بدست آمده ما که برابر با ۰/۱۷ است، لذا همبستگی مثبت، با شدت متوسط و با جهت مستقیم بین دو متغیر نوع روابط در خانواده و مشارکت زنان روستایی وجود دارد؛ بدین صورت که هرچه نوع روابط خانواده دموکراتیک تر باشد مشارکت زنان روستایی بیشتر می‌شود.

بین دو متغیر باورگرایی فرهنگی مرتبط با جنسیت و مشارکت زنان روستایی ارتباط معناداری وجود دارد. با توجه به شدت همبستگی بدست آمده ما که برابر با ۰/۲۸- است، لذا همبستگی منفی، با شدت متوسط و با جهت معکوس بین دو متغیر باورگرایی فرهنگی مرتبط با جنسیت و مشارکت زنان روستایی وجود دارد؛ بدین صورت که هرچه میزان باورگرایی فرهنگی مرتبط با جنسیت به صورت اعتقاد به توانایی‌های بیشتر مردان بالاتر باشد مشارکت زنان روستایی کمتر می‌شود.

بین دو متغیر اعتماد اجتماعی و مشارکت زنان روستایی ارتباط معناداری وجود دارد. با توجه به شدت همبستگی بدست آمده ما که برابر با ۰/۳۳ است، لذا همبستگی منفی، با شدت متوسط و با جهت مستقیم بین دو متغیر اعتماد اجتماعی و مشارکت زنان روستایی وجود دارد؛ بدین صورت که هرچه میزان اعتماد اجتماعی بیشتر باشد مشارکت زنان روستایی بیشتر می‌شود.

بین دو متغیر پایگاه اقتصادی خانواده و مشارکت زنان روستایی ارتباط معناداری وجود ندارد.

بین دو متغیر استفاده از رسانه‌های جمعی داخلی و مشارکت زنان روستایی ارتباط معناداری وجود دارد. با توجه به شدت همبستگی بدست آمده ما که برابر با ۰/۲۲ است، لذا همبستگی

مثبت، با شدت متوسط و با جهت مستقیم بین دو متغیر استفاده از رسانه‌های جمعی داخلی و مشارکت زنان روستایی وجود دارد؛ بدین صورت که هرچه میزان استفاده از رسانه‌های جمعی داخلی بیشتر باشد مشارکت زنان روستایی بیشتر می‌شود.

بین دو متغیر سن و مشارکت زنان روستایی ارتباط معناداری وجود دارد. با توجه به شدت همبستگی بدست آمده ما که برابر با ۰/۲۶ است، لذا همبستگی مثبت، با شدت متوسط و با جهت مستقیم بین دو متغیر استفاده از سن و مشارکت زنان روستایی وجود دارد؛ بدین صورت که هرچه میزان سن زنان روستایی بالاتر باشد مشارکت آنان بیشتر می‌شود.

منابع

- ۱- بیرو، آلن، (۱۳۷۰). فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه محمد باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان.
- ۲- ساروخانی، باقر و دودمان، لیلا. (۱۳۸۹). ساختار قدرت در خانواده و تاثیر آن بر مشارکت اجتماعی. جامعه شناسی مطالعات جوانان، دوره ۱، شماره ۱.
- ۳- ساعی ارسی، ایرج و ولی ور، شهربانو. (۱۳۸۸). شناسایی عوامل موثر بر توانمندسازی زنان جهت مشارکت در توسعه اجتماعی (مطالعه موردی استان لرستان). علوم رفتار، دوره ۱، شماره ۲.
- ۴- سگالن، مارتین. (۱۳۸۸). جامعه شناسی تاریخی خانواده. ترجمه حمید الیاسی، تهران: انتشارات سعدی.
- ۵- شادی طلب، ژاله. (۱۳۸۲). طرح پژوهشی مشارکت اجتماعی زنان. شبکه ارتباطی مراکز مطالعات و تحقیقات زنان و خانواده. بانک تحقیقات و پژوهش‌ها.
- ۶- صفری شالی، رضا. (۱۳۸۲). بررسی عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر میزان مشارکت زنان روستایی، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- ۷- عنبری، موسی و حسونند، احسان. (۱۳۸۹). رابطه فرهنگ پدرسالاری و مشارکت سازمان یافته زنان در مدیریت روستایی: مطالعه موردی زنان روستایی دهستان فیروزآباد در استان لرستان. روستا و توسعه، دوره ۱۳، شماره ۱.
- ۸- قاسمی، وحید و کاظمی، مهری. (۱۳۸۷). تحلیلی جامعه شناختی بر نقش خانواده در میزان برخورداری از سرمایه اجتماعی. علوم اجتماعی (دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد)، دوره پنج، شماره ۱، بهار و تابستان.
- ۹- کاویانی، زریب. (۱۳۹۳). عوامل مرتبط با مشارکت اجتماعی روستاییان. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه جامعه شناسی آزاد اسلامی واحد دهقان.
- ۱۰- کتابی، محمود؛ یزدخواستی، بهجت و فرخی راستایی، زهرا. (۱۳۸۲). توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه پژوهش زنان، شماره ۷.
- ۱۱- کلمن، جیمز، (۱۳۸۴). بنیادهای نظریه اجتماعی. ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- ۲- کوئن، بروس. (۱۳۸۳). مبانی جامعه‌شناسی، غلام‌عباس توسلی و رضا فاضل، تهران: انتشارات سمت.
- ۱۳- محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۷۵). بیگانگی، مانعی برای مشارکت و توسعه ملی. نامه پژوهش، سال اول، شماره ۱، تهران.
- ۱۴- محسنی تبریزی، علی رضا و سیدابراهیم موسوی نژاد. (۱۳۶۹). بررسی زمینه‌های مشارکتی روستاییان در ارتباط با نظام آموزش و ترویج کشاورزی. تهران: معاونت ترویج و مشارکت‌های مردمی، وزارت جهاد سازندگی.
- ۱۵- وثوقی، منصوره و منصوره یوسفی آقابین. (۱۳۸۴). پژوهش‌های جامعه شناختی در زمینه مشارکت اجتماعی زنان روستایی. دو فصلنامه علوم اجتماعی، سال شانزدهم، شماره ۲۵.
- 16- Olsen, W. (1998). Women at work in india. Work employment & society. Vol 1. No 3. PP 57-68.
- 17- Putnam, R.D, (2000), Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community; New York: Simon & Schuster.